



واکاوی و تبیین بحران‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام

محسن جان پرور- استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
ریحانه صالح آبادی^۱- دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران،
ایران (نویسنده مسئول)

ساجد بهرامی جاف- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۱۳

صص ۷۳-۹۶

چکیده

جهان اسلام گستره وسیعی از کشورها با جمعیت متعدد و متنوع است. داشتن جمعیت انسانی و نیز منابع جغرافیایی قدرت سبب بروز بحران‌های متعددی میان بازیگران مختلف در این گستره شده است. در این میان، بحران‌های ژئوپلیتیک به دلیل پایداری و تداومی که دارند به سادگی قابل حل نیستند. از این رو از نوع بحران‌های درازمدت محسوب می‌شوند و اغلب سبب بروز درگیری‌ها و تنش‌های فراوانی میان سازه‌های انسانی و فضایی می‌شوند. این مقاله را با هدف بررسی بحران‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام با روش توصیفی تحلیلی نوشته‌ایم و اطلاعات مورد نیاز را با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر کتاب‌ها و مقالات گردآوری کرده‌یم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بحران ژئوپلیتیک در منطقه جهان اسلام از نوع وضعیتی است که در آن منابع جغرافیایی قدرت به عنوان منبع اصلی منازعه، کشمکش، اختلاف میان بازیگران در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است. به بیان دیگر، بحران ژئوپلیتیک در این منطقه زمانی ایجاد می‌شود که بازیگران در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی خود، روی یک یا چند منبع جغرافیایی قدرت با یکدیگر اختلاف داشته باشند و با یکدیگر رقابت کنند. در نهایت نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به صورت کلی بحران‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام ناشی از مناسبات سیاسی میان بازیگران است و منابع جغرافیایی قدرت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: بحران ژئوپلیتیک، بحران، جهان اسلام، مناسبات بین بازیگران.



اسلام دومین دین بزرگ جهان از نظر تعداد پیروان است. جهان اسلام از نظر جغرافیایی شامل سرزمین‌های وسیعی است که بدنه اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع می‌شود و تا جنوب غربی و شمال شرقی آسیای مرکزی امتداد می‌یابد و در مجموع بخش بزرگی از آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا را شامل می‌شود. این منطقه وسیع حدود ۱۷۰ درجه از طول غربی و شرقی و کمتر از ۷۰ درجه از عرض‌های شمالی و جنوبی زمین را فرا گرفته است. حدود ۲۲ درصد خشکی‌ها و فضاها جغرافیای جهان را دربر می‌گیرد. شکل‌دهنده ساختار فضایی و جغرافیایی ویژه‌ای است که آن را از دیگر ساختارهای فضایی و جغرافیایی موجود در جهان مانند ساختار بودایسم غربی متمایز می‌کند. جهان اسلام به اصطلاح به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که بیشتر مردمان آن پیرو دین اسلام باشند. جهان اسلام در حال حاضر سرزمینی با ترکیبی متنوع از نظر ویژگی‌های انسانی و بسترها و شرایط طبیعی است. دین اسلام تا قبل از قرن یازدهم توانسته است جغرافیای یکدستی به لحاظ فرهنگی، تاریخی و اهمیت سرزمینی در همه جهان رقم بزند، ولی از این قرن به بعد تراژدی ژئوپلیتیک جهان اسلام بود؛ زیرا وحدت‌نداشتن مسلمانان موجب بروز شکاف‌هایی شد و این شکاف‌ها به تدریج با عوامل جغرافیایی پیوند خورد و موجب تعمیق اختلافات شد. جهان اسلام در شرایط کنونی از بحران‌ها تنش‌های مختلفی رنج می‌برد. از نظر شاخص‌های توسعه پایدار فضای راهبردی مسلط بر جهان اسلام بی‌ثبات، ناامن و نامناسب است. بحران در یک منطقه جغرافیایی می‌تواند ریشه در علل مختلف داشته باشد، از موارد و ویژگی‌های تحمیل شده بر آن منطقه تا برخی ویژگی‌های ذاتی منطقه‌ای جغرافیایی همه می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران در یک منطقه در نظر گرفته شود.

بر همین اساس، می‌توانیم ژئوپلیتیک یک منطقه نیز زمینه بحران‌سازی است. با توجه به اینکه جهان اسلام بخش عظیمی از سرزمین‌هایی را در بردارد که اهمیت راهبردی و ژئواکونومیکی دارند و تا حدودی روابط میان کشورهای اسلامی با جمهوری اسلامی را نیز در منطقه جهان اسلام می‌توان مشاهده و بررسی کرد، بنابراین توجه به انواع بحران‌ها در این منطقه اهمیت زیادی دارد. بنابراین بررسی و ریشه‌یابی بحران‌های جهان اسلام و شناخت مهم‌ترین علت‌ها و زمینه‌های اختلاف و منازعه در جهان اسلام در مقیاس‌ها و الگوهای متفاوت، گام مهمی در کاهش این‌گونه منازعات و حل آن‌ها با رویکرد صلح‌سازی است. از این نظر، در این پژوهش بحران‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام که اهمیت ژئوپلیتیک بیشتری دارند و بحران‌های فراوان ژئوپلیتیک با منشأ داخلی و خارجی این منطقه را بررسی می‌کنیم.



مباحث نظری پژوهش

مفهوم بحران و ویژگی های آن

تحلیل معنایی واژه بحران، گستردگی معنای آن را می‌رساند. فرهنگ آریان‌پور واژه Crisis را بحران، شور، سرگشتگی، نقطه عطف، سختی و پریشان‌حالی معنا کرده است. به لحاظ مفهومی، «بحران» خود مفهومی بحران‌زا است (Bashir, 2008: 11). طیف وسیعی از پدیده‌ها مانند فجایع طبیعی و تکنولوژیک، ستیزه‌ها، آشوب‌ها و اقدامات تروریستی می‌توانند در این تعریف جای بگیرند (Rosenthal, 2004: 35). تعریف‌های متعدد و دلالت‌های صاحب‌نظران نشان می‌دهد که بحران ماهیتی چندوجهی دارد و با وجود تنوع مصادیق در سطوح مختلف قابل تحلیل است (Mitraf, 1994: 10). بحران، رویدادی است که به‌طور طبیعی یا به‌وسیله بشر، به‌طور ناگهانی یا به‌صورت فزاینده به وجود آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل کند که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات ضروری، اساسی و فوق‌العاده باشد (Nategh Elahi, 1999: 78). بحران‌ها می‌توانند در زمینه‌های موضوع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ظاهر شوند و علل و عوامل بحران بسیار گوناگون هستند (Vaezi, 2015: 60-62). کارشناسان سیاسی و امنیتی این تعریف را درباره بحران قبول دارند: دسته‌ای از رویدادها که به‌سرعت شدید می‌شوند و تعادل نیروها را در سیستم کلی بین‌المللی یا سیستم‌های فرعی، بیشتر از حد متعارف (متوسط) برهم می‌زنند و امکان تشدید تخاصم در سیستم را افزایش می‌دهند (Kazemi, 1987: 15). تعریف سیستم در اصطلاح سیاسی متشکل از یک دسته یا گروه بازیگران است. این بازیگران ممکن است دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی یا دیگر گروه‌های سازمان‌یافته باشند که روابطی به‌صورت کنش-واکنش در چارچوبی معین و بر اساس ضوابط و معیارهای تنظیم‌شده باهم برقرار می‌کنند. در این چارچوب فکری، یک بحران عبارت از وضعیتی است که نظم سیستم اصلی یا قسمت‌هایی از آن را که سیستم فرعی نامیده می‌شود مختل می‌کند و پایداری آن را برهم می‌زند. به بیان دیگر، بحران وضعیتی است که تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر سیستم به وجود می‌آید.

در واقع، بحران به وضعیتی گفته می‌شود که با وجود تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است. اغلب مفهوم بحران با وضعیت حاد محیط و اوضاع و احوال غیرطبیعی مانند تشنج اجتماعی، سیاسی، درهم‌آشفته‌گی و ضعف امنیت تجسم می‌شود. بحران‌هایی که در عرصه جهان چه در سطح داخلی کشورها و چه در سطح خارجی و بین‌المللی، شکل گرفته‌اند، بیشتر ماهیت ژئوپلیتیکی دارند، زیرا فلسفه و منشأ بحران‌ها جغرافیایی است و یک ارزش یا یک پدیده یا یک عامل جغرافیایی در ایجاد آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقش دارد. بحران‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی بیشتر در شرایط و مناطقی شکل می‌گیرند که قدرت‌های بزرگ نقش مؤثری در کنترل حوادث و تحولات



آن مناطق دارند (Mosalanejad, 2013: 4). این بحران‌ها تعادل و نظم را در سیستم‌های محلی، منطقه‌ای، بین‌المللی و قابلیت برنامه‌ریزی از میان می‌برند و برنامه‌ریزی‌های توسعه را مختل می‌کنند. تضادهای قومی و فرهنگی، تاریخی، دینی و ژئوپلیتیک جزو عوامل زمینه‌ساز بروز بحران‌ها هستند و بازیگرانی که در پی گسترش قدرت خود هستند، تلاش می‌کنند تا زمینه ایجاد بحران در حوزه جغرافیایی کشور رقیب را ایجاد کنند. بحران ژئوپلیتیک وضعیتی است که در آن منابع جغرافیایی قدرت منبع اصلی منازعه، کشمکش، اختلاف بین بازیگران در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی باشد. به بیان دیگر، بحران ژئوپلیتیک زمانی ایجاد می‌شود که بازیگران در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی خود روی یک یا چند منبع جغرافیایی قدرت با یکدیگر اختلاف داشته باشند و با یکدیگر رقابت کنند (Janparvar, 2017: 14). آشفتگی عرصه سیاست، پیچیدگی وصف‌ناپذیری به پدیده‌های سیاسی و ژئوپلیتیک داده است. بدین ترتیب، پیوندی معنادار و عمیق بین مؤلفه‌ها و عناصر جغرافیای سیاسی با بحران‌های ژئوپلیتیک شکل گرفته و در کشورهای مستعد بستر شکل‌گیری گروه‌های بنیادگرا، تشدید تحرکات و اگراییانه، افزایش و تعمیق حفره‌های دولت، ناحیه‌گرایی سیاسی، قلمروخواهی و قلمروطلبی را فراهم کرده است (Abdi et al., 2015: 106). ایسکو و ایرا (۱۹۶۳) می‌گویند بحران پنج ویژگی منحصر به فرد دارد: ۱. داشتن شرایط حاد که برای مدتی نامشخص ادامه یابد؛ ۲. منجر به تغییرات رفتاری و سبب آسیب و ناکارآمدی سازمانی و حتی شخصی می‌شود؛ ۳. اهداف افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ ۴. اغلب به معنای درگیر شدن یک بخش در برابر دیگران است؛ ۵. سبب ایجاد تنش و درگیری در درازمدت می‌شود. کلر و پیرسون (۱۹۸۹) می‌گویند بحران ویژگی‌هایی دارد مانند ترکیب پیچیده، کنترل محدود، اطمینان‌ناداشتن در سطح وسیع، اطلاعات محدود و فشار زمانی. هوی (۱۹۹۹) نیز مبهم بودن اثرات ناشناخته و حتی علل آن، احتمال بروز محدود، حوادث ناآشنا و غیر معمول، نیاز به پاسخ سریع، تهدیدات جدی و مشکلاتی که نیازمند تصمیماتی هستند که منجر به ایجاد تغییرات مثبت یا منفی می‌شود را از ویژگی‌های بحران می‌دانند.

در تفاوت مفهوم بحران و تنش و کشمکش می‌توانیم بگوییم که بحران آغازکننده تنش و درگیری است. بدین صورت که ابتدا یک مشکل یا مسئله ژئوپلیتیکی پدید می‌آید، به مرور زمان این مشکل بدون ارائه راه حلی منصفانه و منطقی در درازمدت موجب به وجود آمدن تعارضاتی میان منافع و اهداف دو طرف درگیر می‌شود و نتیجه این تعارض تنش و کشمکش است. برای نمونه، بحران در کشورهای عربی ابتدا مشکلاتی در زمینه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در این کشورها نمود یافت. این بحران بدون ارائه راه حلی که بتواند عدالت فضایی و اجتماعی را تأمین کند در درازمدت سبب برخورد دیدگاه‌هایی شد و سرانجام به عنوان بهار عربی در کشورهای منطقه نمود یافت؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم که ایجاد بحران نیروی محرکه ایجاد تنش و درگیری است.



مفهوم ژئوپلیتیک و بحران ژئوپلیتیک

اصطلاح ژئوپلیتیک را نخستین بار در سال ۱۸۹۹ رودولف کلین، دانشمند علوم سیاسی ابداع کرد (Berryman, 2012: 531). این آغاز نقطه‌ای بود که سیستم بین‌المللی را با توجه به تغییرات مهم و اجتناب‌ناپذیری که در آن رخ می‌داد به بازی میان قدرت‌های بزرگ جهانی متصل کرد و پیامدهای سیاسی بین‌المللی را با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی دولت‌ها و مکان‌های نسبی آن‌ها بررسی کرد (Osterud, 1988). در این ارتباط، مایکل کلر بر ویژگی‌های مکانی توزیع منابع برای تبیین درگیری میان ایالات تأکید دارد (Klare, 2002). رابرت کاپلان نیز می‌گوید در بررسی این علم با محیط بیرونی روبه‌رو هستیم که می‌تواند راهبردی مکانی بین فضاها جغرافیایی تعیین کند. نگرش و دیدگاه آلفرد ماهان و فردریش راتزل نسبت به این علم نگاهی به سیستم مدرن جهانی بر مبنای عوامل جغرافیایی همچون منابع و مکان‌ها و چشم‌اندازهای قدرت‌های بزرگ همچون آلمان، انگلستان و ایالات متحده است (Dodds, 2010, Kearns, 2009). جونز معتقد است ژئوپلیتیک مطالعه جهان سیاسی است که با مفاهیمی همچون سیاست، فضا، مکان و قلمرو ادغام شده است و زمینه‌های مختلف با فعل و انفعالات گوناگون دارد (Jones, 2004). سرانجام می‌توانیم بگوییم که ژئوپلیتیک به معنای تحلیل اثرات جغرافیایی بر روابط قدرت در عرصه بین‌المللی است و تأثیرات موقعیت و جمعیت را بر سیاست و سازه‌های سیاسی فضایی بررسی می‌کند (GKMEN, 2010). بحران‌های ژئوپلیتیکی ریشه در جغرافیا و سیاست دارند که به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی آن‌ها شناخته می‌شود. اگرچه بحران‌های بین‌المللی، سیاسی یا اقتصادی ممکن است پیامدهای منفی و بازتاب‌های جهانی داشته باشند، این بحران‌ها با موجودیت یک کشور در ارتباط نیستند. در حالی که بحران ژئوپلیتیکی می‌تواند موجودیت یک کشور را تحت تأثیر قرار دهد (Valigholizadeh, 2012: 95). بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های سیاسی و فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. در واقع، این بحران نتیجه درگیری و اختلاف دولت‌ها و گروه‌های سیاسی یا گروه‌های سیاسی سازمان‌یافته برای کنترل و تصرف دو یا چند ارزش جغرافیایی است (Valigholizadeh, 2016). بحران‌های ژئوپلیتیکی این ویژگی‌ها را دارند:

۱. موضوع و عامل بحران، کنترل، مداخله و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی است؛
۲. از پایداری و تداوم نسبی برخوردارند و به‌سادگی قابل حل و برطرف شدن هستند؛
۳. با بحران‌های سیاسی متفاوت‌اند و به‌راحتی و تنها با روش‌های دیپلماتیک قابل حل نیستند؛
۴. در بحران‌های ژئوپلیتیکی الگوی مداخله چند سطحی شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، سطوح مختلفی از بازیگران در ارتباط با بحران درگیر می‌شوند (Hafeznia, 2006).



واقع‌گرایی از دهه ۱۹۴۰ به‌وجود آمده و همچنان تا به امروز به‌عنوان پارادایم مسلط در روابط بین‌الملل باقی مانده است. هرچند در طول زمان شکل خود را عوض کرده است همچنان این توانایی دگرگونی، یکی از دلایل اصلی تداوم هژمونی واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل است. مورگنتا زمانی نظریه «سیاست بر اساس قدرت» را مطرح کرد که واقع‌گرایی سیاسی امیدهایی دوردست و ناممکن را در میان مردم و دولت‌مردان به وجود آورده بود (Sarei Olghalam, 1999: 65). به‌طور کلی مورگنتا به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل اعتقاد داشت که سیاست‌های بین‌المللی از راه قوانین جهانی و عینی مبتنی بر منافع ملی و قدرت، و نه محرک‌های روانشناختی تصمیم‌گیران مدیریت می‌شود (Hafeznia, 2010: 11). به بیان دیگر به باور او «دولت‌مردان در چارچوب منافع خود که به‌مثابه قدرت تعریف می‌شود، فکر و عمل می‌کنند». او در توصیف خود از عملیات موازنه قدرت، این تمایز را مطرح می‌کند: «مادام که موازنه قدرت به‌طور موفقیت‌آمیزی اجرا شود ثبات عاریتی در روابط میان ملت‌های مربوط ایجاد می‌کند، ثباتی که همواره در خطر نابودی است، بنابراین همواره نیازمند تجدیدبنا است. اما در همان حال، این تنها ثبات دستیافتنی در شرایط مفروضه الگوی قدرت است. به این علت که اینجا با یک تناقض درونی اجتناب‌ناپذیر موازنه قدرت مواجه هستیم». در نهایت می‌توانیم بگوییم که بحران ژئوپلیتیک وضعیتی است که در آن منابع جغرافیایی قدرت منبع اصلی منازعه، کشمکش، اختلاف میان بازیگران در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی باشد. به بیان دیگر، بحران ژئوپلیتیک زمانی ایجاد می‌شود که بازیگران در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی خود روی یک یا چند منبع جغرافیایی قدرت با یکدیگر اختلاف داشته باشند و با یکدیگر رقابت کنند (janparvar, 2017: 114).

انواع بحران‌های ژئوپلیتیک

همه بحران‌های ژئوپلیتیک ماهیت جغرافیایی دارند. در واقع این بحران‌ها ناشی از اختلافات کشورها در مورد مالکیت یا ارزش‌های جغرافیایی است. مقادیر جغرافیایی متفاوت هستند و میزان این تفاوت را می‌توانیم در بروز برخی از این بحران‌ها به‌وضوح ببینیم. انواع بحران را بدین صورت می‌توانیم تفکیک کنیم:

بحران ژئوپلیتیک: بحران ژئوپلیتیک ماهیت سیاسی دارد. برای نمونه هنگامی که استقلال و تمامیت ارضی، وحدت ملی و ارزش‌های اساسی یک کشور را دیگر کشورها مورد حمله قرار می‌دهند، باعث بروز درگیری ژئوپلیتیکی میان ملت‌ها می‌شود. این وضعیت ممکن است به‌دلیل توانایی نداشتن دولت‌ها در شرایط فعلی منجر به بروز بحران ژئوپلیتیکی شود، ادعاهای سرزمینی و اختلافاتی که در برگیرنده اختلافات مرزی و حاکمیت سرزمینی است به‌عنوان این نوع بحران شناخته می‌شود که به‌دلیل ماهیت پویا و مشترک ارزش‌های متضاد مناطق پیرامونی و سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را در بر دارد.



بحران ژئوکالچر: بحران ژئوکالچر با ارزش‌های جغرافیایی مرتبط است که ماهیت فرهنگی دارند. در این زمینه می‌توانیم به رقابت ملت‌ها و تعارضات آن‌ها در جهت منافع فرهنگی اشاره کنیم. این عوامل جغرافیایی از عوامل ژئوکالچر و اختلافات و درگیری‌های بین‌الملل است. اختلافات باستانی، اختلافات ملی‌گرایی و گرایش‌های فاشیستی، اختلافات بین مذاهب، برخورد ایدئولوژیک و تلاش برای گسترش ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی از این فعالیت‌هاست. در حقیقت عوامل جغرافیایی و فرهنگی به‌نوعی از تعاملات فضایی کشورهای همسایه با جمعیت ناهمگن منجر می‌شود و به‌عنوان مهم‌ترین دلایل ایجاد رقابت‌ها و استثمار در مسابقات ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر بسیاری از درگیری‌های مذهبی مانند کوزوو، قره‌باغ، چین و سریلانکا در شمار این نوع بحران‌ها قرار می‌گیرد.

بحران ژئواکونومیک: بحران ژئواکونومیک مرتبط با منافع رقابتی میان کشورها، آرمان‌ها و خواسته‌های اقتصادی آنان است و ظرفیت مناسبی برای ایجاد درگیری و تنش دارد. امروزه از یک‌سو اهمیت مسائل اقتصادی سبب شده است تا اختلافات کشورها درباره منابع راهبردی و ظرفیت اقتصادی افزایش یابد. اختلافات بین‌المللی در مورد منابع اقتصادی بر ثبات اقتصادی و سیاسی منطقه به‌صورت گسترده‌ای تأثیر می‌گذارد و حتی ممکن است به تغییر الگوی روابط منطقه‌ای و پیدایش وضعیت پیچیده‌تری در منطقه منجر شود. در این زمینه منابع اقتصادی و راهبردی به‌عنوان شاخص اصلی در تنش سرزمینی و اختلافات و درگیری‌های مدنظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین مناطقی که ظرفیت‌های اقتصادی بالایی دارند به‌عنوان مرکز بحران‌های ژئوپلیتیکی و به‌عنوان مناطق حساس جهانی شناخته می‌شوند (Valigholizadeh, 2016).

پیشینه پژوهش

زرقانی و علمدار (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام در دهه گذشته، مطالعه موردی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا» نتیجه می‌گیرند که دلیل آنکه بحران‌های جهان اسلام دو منشأ و زمینه داخلی و خارجی دارند و در سطوح مختلف و ابعاد گسترده در این منطقه گسترش پیدا کرده‌اند؛ در وضعیت کنونی چشم‌انداز روشنی برای کاهش و حل منازعات و رفتن به سوی وحدت و انسجام اسلامی وجود ندارد. تفاوت پژوهش ما با این پژوهش بررسی بحران در جهان اسلام به‌صورت کلی است و محدوده وسیع‌تری را در بردارد. محمدرضا حافظ‌نیا، ریاز قربانی‌نژاد و محسن جانپور (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل همگرایی و واگرایی در جهان اسلام سیاسی» نتیجه می‌گیرند که در این ساختار فضایی و جغرافیایی عوامل متعدد همگرا مانند تهدید مشترک، منافع مشترک و متقابل و ارزش‌های مشترک و تجانس ساختاری و عوامل واگرا مانند تفاوت‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی در کنار اختلافات سرزمینی و مرزی و رقابت‌های



منطقه‌ای وجود دارد. مختاری هشی و شمس (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ژئوپلیتیک بحران یمن» به این نتیجه رسیدند که عوامل جغرافیایی در غالب پنج گروه طبیعی، انسانی، اقتصادی، سیاسی و راهبردی در بحران یمن نقش زمینه‌سازی دارند و نیروها و قدرت‌های سطوح داخلی و ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز با وجود این عوامل در بحران این کشور نقش آفرینی می‌کنند و ماهیت پایدار و ریشه‌دار بودن عوامل جغرافیایی نیز دلیل تداوم و مزمن بودن بحران یمن است.

طالبی آرانی و زرین نرگس (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی چرایی ماندگاری بحران‌های ژئوپلیتیک غرب آسیا، مطالعه موردی سوریه پس از ۲۰۲۰» چنین استدلال کرده‌اند که بحران‌های ژئوپلیتیک در غرب آسیا نه تنها ماندگاری داشته‌اند، بلکه به علت انباشتگی چالش‌های فرارویشان، تسری فرامنطقه‌ای آن‌ها نیز دور از انتظار نیست. راه حل عملی برای مقابله با چنین وضعیتی همانا عادی‌سازی نظام دولت بر پایه زدودن چالش‌های فرصت‌آفرین و قوام‌بخش خواهد بود که به طبع وجود دولت‌های کارآمد، مدیریت منازعات منطقه‌ای و نبود مداخله قدرت‌های بزرگ را ضروری خواهد ساخت. قدسی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نظام ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران» نتیجه می‌گیرد که مناسب‌ترین الگوی ایجاد نظم برای ایران بر مبنای «الگوی مشارکتی»، «تمدن و اقتصاد پایه» و با رویکرد «قدرت‌آفرینی نرم» خواهد بود. امیری (۱۳۹۷) در مقاله «دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بحران ژئوپلیتیکی و امنیتی یمن با تأکید بر ایران و عربستان و هم‌پیمانان» به این نتیجه رسیده است که به دلیل نقش هویتی و معنوی هرکدام از دو کشور نسبت به تحولات به وجود آمده در کشورهای منطقه که به دنبال تأثیرگذاری بر اساس راهبرد کلان خود بوده‌اند؛ حضور مادی و ایدئولوژی و هابیت به رهبری عربستان در یمن به وسیله پیام انقلاب اسلامی ایران و جنبش مقاومت خدشه‌دار شده است و همین سبب پیچیده شدن بحران شده است. حافظ‌نیا و زرقانی (۱۳۹۰) در مقاله «چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام» به این نتیجه رسیده‌اند که جهان اسلام قابلیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای در عرصه نظام ژئوپلیتیک جهانی را دارد، اما به دلیل وجود برخی عوامل و زمینه‌های بروز اختلاف و واگرایی از جمله گسیختگی فضای جغرافیایی، تفاوت‌های مذهبی، قومی، اندیشه و نظام سیاسی، استقلال‌نداشتن و وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی، تعارضات سرزمینی، رقابت داخلی قدرت‌های برتر جهان اسلام، وجود پیمان‌های سیاسی امنیتی با قدرت‌های بزرگ و بازیگران فرامنطقه‌ای، تاکنون از این ظرفیت عظیم استفاده شایسته‌ای نشده است.

دیویس (۲۰۱۹) در مقاله‌ای بیان می‌کند که رقابت میان ایران و عربستان در جهان اسلام سبب شده است بحران‌هایی در منطقه غرب آسیا شکل گیرد و به چشم‌اندازی تاریخی برای این تنش‌ها در روابط دو کشور تبدیل شود. انجوم (۲۰۱۹) در مقاله‌ای می‌گوید با توجه به تلاش‌های صادفانه‌ای که برای احیای اسلام انجام شده است بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر مسلمانان نتوانستند به بحران شکل گرفته



پاسخی سریع و مناسب بدهند. او با استفاده از تحلیل اجتماعی و عقاید انتقادی ابن خلدون میزان آسیب‌پذیری جهان اسلام و سیاست‌هایی که در دستور کار غرب قرار گرفته را بررسی کرده است.

روش پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پارادایم غالب این پژوهش براساس دیدگاه توصیفی است که در آن به توصیف و تحلیل بحران‌های ژئوپلیتیکی موجود در جهان اسلام پرداخته‌ایم. بنابراین روش پژوهش این مقاله توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز را با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر، کتاب‌ها و مقالات گردآوری کرده‌ایم. در این پژوهش به دنبال تبیین بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام بر اساس رویکردی جدید به دانش ژئوپلیتیک هستیم و می‌کوشیم با ارائه مدلی جدید، بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام را براساس دو چرخه دانش ژئوپلیتیک، منابع جغرافیای قدرت و مناسبات سیاسی بین بازیگران بررسی و تجزیه و تحلیل کنیم.

محدوده مورد مطالعه

جهان اسلام شامل یک بدنه اصلی است که از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع می‌شود و با جهتی تقریباً از جنوب غربی به شمال شرقی تا غرب چین امتداد می‌یابد. خارج از این بدنه پیوسته و یکپارچه سرزمینی و جغرافیایی، قطعات پراکنده جغرافیایی نیز در اطراف آن یا دیگر مناطق جهان وجود دارد که اکثریت قاطع یا نسبی جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند (Ezzati, 1999: 31). جهان اسلام از جهت موقعیت جغرافیایی میان ۱۸ درجه عرض جنوبی و ۵۸ درجه عرض شمالی و نیز میان ۱۷ درجه طول غربی و ۱۳۵ درجه طول شرقی قرار گرفته است. در واقع، کشش جغرافیایی و عرصه آن به‌گونه‌ای است که در مجموع ۷۲ درجه عرض جغرافیایی و ۱۵۲ درجه طول جغرافیایی را شامل می‌شود (Glizzareh, 2006: 161). قلمرو جغرافیایی جهان اسلام را که بیش از ۵۰ درصد آن مسلمان هستند می‌توانیم به این یازده منطقه جغرافیایی محدودتر تقسیم‌بندی کنیم:

۱. جنوب شرق آسیا: جنوب فیلیپین، برونئی، اندونزی، مالزی و سنگاپور؛
۲. جنوب آسیا: بنگلادش، پاکستان، مالدیو و بخش‌های مسلمان‌نشین هند؛
۳. فلات ایران: کشورهای ایران و افغانستان؛
۴. آسیای مرکزی: ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان و بخش‌های غرب چین؛
۵. قفقاز و ترکیه: جمهوری آذربایجان، ترکیه، مناطق خودمختار مسلمان‌نشین روسیه مانند چچن و داغستان و بخش‌هایی از قبرس و گرجستان؛



۶. جنوب شرق اروپا: آلبانی و بوسنی و هرزگوین؛
۷. شمال آفریقا: مصر، الجزایر، لیبی، تونس، مراکش و صحرا؛
۸. شرق آفریقا: سومالی، سودان، اتیوپی، اریتره، تانزانیا، کومور غرب آفریقا شامل موریتانی، سنگال، گینه، سیرالئون، گامبیا، ساحل عاج و نیجریه؛
۹. آفریقای مرکزی: مالی، چاد، نیجر، بورکینافاسو؛
۱۰. شبه جزیره عربستان: عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عمان، یمن؛
۱۱. منطقه عربی شرق مدیترانه: لبنان، فلسطین، اردن، سوریه و عراق (حافظنیا و همکاران، ۱۹۳۱: ۴۶).

اصطلاح جهان اسلام در سال ۱۹۰۶ در کتاب زویمر آمده است. در چاپ اول دایره‌المعارف اسلام (مقدمه) اصطلاح «مردمان مسلمان» به کار رفته و عبارات سرزمین‌های اسلامی، امپراتوری اسلامی، مملکت اسلامی و نواحی اسلامی را آدام متز به کار برده است (Metmez, ۱۹۸۴, ۱۳). در ایران برای بیان مفهوم جهان اسلام، دانشنامه ایران و اسلام از عبارات کشورهای مسلمان، عالم اسلامی و جامعه اسلامی استفاده کرده است. کاربرد اصطلاح جهان اسلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، افزون بر کتاب‌ها و مقالات علمی در متون حقوقی و برنامه‌ها نیز راه یافت. در اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۵۸ اصطلاح جهان اسلام و ملل اسلامی آمده است. در سندی به تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۸۲ که موضوع آن چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ است نیز عبارت جهان اسلام به کار رفته و در بند سی‌ام سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، «تحکیم روابط با جهان اسلام» مطرح شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش بنابر تعریف ارائه شده از ژئوپلیتیک و همچنین بحران ژئوپلیتیکی، بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام بر پایه ماهیت وجودی این دانش که مبتنی بر منابع جغرافیای قدرت و مناسبات بنا نهاده شده است، بیان شده‌اند. بر این اساس بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام در دو بخش آورده شده‌اند: در بخش اول منابع جغرافیای قدرت محل تنازع و درگیری میان بازیگران است و به فراخور ارزش منبع جغرافیای قدرت مناسبات میان بازیگران را در شکل‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تقسیم‌بندی جهان اسلام

جهان اسلام با توجه به پیشینه تاریخی، به چندین واحد فرهنگی و تمدنی تقسیم‌بندی می‌شود: حوزه



شرقی، حوزه شبه قاره هند، حوزه جهان مالایایی، حوزه چین، حوزه مسلمانان اروپا و اجتماعات جدید مسلمانان. در ادامه این حوزه‌ها را شرح می‌دهیم.

حوزه شرقی: در میان جغرافی دانان، به‌ویژه جغرافی دانان غربی، مهم‌ترین بخش حوزه فرهنگی جهان اسلام، حوزه شرقی آن است. این حوزه پیوسته فرهنگ اسلامی با توجه به شاخص‌های سیاسی، محیطی، زیست‌محیطی و فرهنگی شش ویژگی منحصر به فرد دارد: براساس ویژگی‌های محیط طبیعی و موقعیتی، کمربند خشک بر قدیم را در بر می‌گیرد، غنی‌ترین ذخایر نفت جهان در آن جای دارد، از نظر تاریخ فرهنگی، شرق اسلامی مهد انقلاب نوسنگی و در همان حال مهد فرهنگ کنونی بشر است. قسمتی از این حوزه، بخشی از دنیای رومی قدیم به شمار می‌رود که از دیرباز در حوزه فرهنگی اسلام قرار گرفته است. کشورهای واقع در این حوزه، از لحاظ شیوه تولید، تحت تأثیر سرمایه‌داری بهره‌بری قرار دارند و جزو کشورهای جهان سوم با پیشینه غنی فرهنگی به شمار می‌روند. بر این اساس، در این حوزه سه شیوه زیستی، شهری، روستایی و کوچگری رایج است. حوزه فرهنگی شرق اسلامی، خود به چهار منطقه فرهنگی کوچک‌تر تقسیم می‌شود:

۱. همه کشورهای عرب‌زبان جزو منطقه عربی به‌شمار می‌روند که مشخصه اصلی آن استفاده از زبان عربی است. این منطقه دو بخش شرقی و غربی با مرزی دارد که از وسط کشور لیبی می‌گذرد. بخش غربی که در قدیم به مغرب معروف بود، خود دو قسمت دارد: غرب نزدیک شامل مغرب لیبی، تونس و بیشتر الجزایر و غرب دور شامل مغرب الجزایر، مراکش (مغرب)، موریتانی و در سده‌های اولیه اسلامی اندلس یا بخش مسلمان‌نشین شبه جزیره ایبری.

۲. منطقه ایرانی، مردم حوزه فرهنگی ایران پس از ساکنان جزیره العرب و شام به دین اسلام پیوستند و بنای عظیم فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی را شکل دادند. این منطقه، ایران کنونی، افغانستان، تاجیکستان، پاکستان و برخی از مناطق ازبکستان را در بر می‌گیرد و زبان غالب در آن فارسی است. بیشتر اهالی این منطقه ایرانی‌الاصل هستند و زبان‌های کردی، بلوچی و پشتو که از خانواده زبان‌های هند و اروپایی به‌شمار می‌آید، در برخی مناطق آن صحبت می‌شود. مردم منطقه ایرانی احترام ویژه‌ای برای اهل بیت پیامبر اکرم و اولاد ایشان قائل‌اند و شمار درخور توجهی از آنان شیعه‌اند.

۳. منطقه آفریقای سیاه از نظر گستره جغرافیایی به منطقه گسترده‌ای از اتیوپی در شرق آفریقا تا مالی و سنگال در غرب آفریقا گفته می‌شود مهاجرت برخی از صحابیان به چاد فعلی در مسلمان شدن این منطقه و شکل‌گیری فضای فرهنگی اسلامی آن مؤثر بوده است و بعدها بازرگانی به انتشار اسلام در آنجا کمک فراوانی کرده است. برای نمونه، نقش قبایلی چون صنهاجه برجسته است که خود در اوایل اسلام این دین را پذیرفتند و میان مسلمانان عرب و آفریقاییان شمالی و سیاه در رفت و آمد بودند. در آفریقای شرقی که ورود اسلام در آنجا زودتر از آفریقای غربی صورت گرفت،



مهاجرت مردم عرب و ایرانیان تأثیر فراوان داشت. از این رو، زبان سواحلی که از آمیزش زبان‌های عربی، فارسی و بانتو پدید آمد، مهم‌ترین زبان اسلامی مسلمانان این بخش شد.

۴. منطقه ترک زبان، این منطقه شامل جاهایی است که مردم آن غالباً به زبان‌های آلتایی سخن می‌گویند. مهم‌ترین این زبان‌ها، ترکی استانبولی، ترکی آذری، چچنی، اویغوری، ازبکی، قرقیزی و ترکمن است. مردم این منطقه در اصل صحرائشینان کوهستان‌های آلتایی هستند که پس از حرکت به سوی غرب، تا آناتولی پیش رفتند و بعدها در تاریخ اسلام، امپراتوری عثمانی را پایه‌گذاری کردند. گستره جغرافیایی مردم منطقه آلتایی از مقدونیه تا سبیری و به صورت گروه‌های اندک در نواحی غیر ترک‌زبان خاورمیانه است. این گروه نیز از پراکندگی قومی و فرهنگی فراوانی برخوردار است.

حوزه شبه‌قاره هند: با تصرف دره سند از سوی مسلمانان، راه گسترش اسلام در این حوزه هموار شد. با این حال، اصلی‌ترین عامل انتشار اسلام، گروه‌های صوفیه بودند. این حوزه تنوع قومی فراوانی دارد و زبان فارسی حدود هزار سال در آن رایج بوده است. امروزه زبان‌های محلی سندی، گجراتی، پنجابی و بنگالی از زبان‌های مسلمانان هستند که پراوازه شده‌اند. در همان حال، زبان اردو به صورت زبان مهم آنجا درآمد و در پاکستان به عنوان زبان رسمی پذیرفته شد. این حوزه شامل پاکستان، بنگلادش و مسلمانان هند، نپال و سریلانکا است که رشد جمعیت زیادی دارند و بعضی از بزرگ‌ترین آثار هنر و فرهنگ اسلامی در آن‌ها شکل گرفته است.

حوزه جهان مالایایی: این حوزه در جنوب شرقی آسیا قرار داد و مردم آن که از راه بازرگانان حوزه خلیج فارس و نیز بازرگانان و صوفیان هندی به اسلام پیوستند، ویژگی‌های محلی با همگرایی قومی بالایی دارند. زبان‌های مالایایی و جاوه‌ای در کشورهای این حوزه شامل اندونزی، مالزی، برونئی و اقلیت‌های تایلند، فیلیپین، کامبوج و ویتنام رایج است و علاقه مسلمانان مالایایی به مکه و مدینه و سنت‌های نبوی پس از پیوستن آن‌ها به دارالاسلام زبان زد است.

حوزه چین: این حوزه از دیگر حوزه‌های فرهنگی ذکر شده کوچک‌تر است؛ با این حال، پس از پیوستن مردم این منطقه به اسلام، با وجود در دست نبودن جمعیت دقیق آنان، شمار زیادی مسلمان در این حوزه ذکر می‌شود.

حوزه مسلمانان اروپا: این حوزه شامل سرزمین‌های آلبانی، کوزوو، مقدونیه و بوسنی است و به لحاظ قومی، مردمی از نژاد اروپایی هستند.

اجتماعات جدید مسلمانان: این گروه شامل مسلمانان کشورهای اروپایی و آمریکاست که از مهاجران مسلمان یا گروندگان بومی به اسلام تشکیل می‌شود. حدود پنج میلیون مسلمان در فرانسه، حدود سه میلیون ترک و تعداد زیادی کُرد در آلمان و حدود دو میلیون مهاجر غالباً هندی در انگلستان وجود دارند. مسلمانان آمریکا که غالباً مهاجران کشورهای عربی، ایران و شبه‌قاره‌اند از مهم‌ترین اجتماعات این حوزه به شمار می‌روند (Nasr, 2003, 126).



در ادامه مناسبات میان بازیگران که در بحران‌ها به صورت‌های مختلف نمود یافته است را بیان می‌کنیم.

بحران‌های ژئوپلیتیکی بر پایه منابع جغرافیایی قدرت (چرخه اولیه دانش ژئوپلیتیک)

الف) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مرحله شناخت

آگاهی و شناخت دروازه ورود صاحب‌نظران در هر عرصه علمی برای تحلیل و تفسیر مسائل و موضوعات، همچنین حل و فصل آن‌هاست. به هر میزان آگاهی و شناخت ما نسبت به مسائل و موضوعات مورد بحث بیشتر باشد زمینه برای دستیابی به اهداف نیز در این زمینه بیشتر فراهم می‌شود؛ به صورتی که شناخت باعث طراحی و پیشبرد راهبردها به صورت استوارتر و واقع‌بینانه‌تر از سوی بازیگران ژئوپلیتیک می‌شود. در این میان، شناخت منابع جغرافیایی قدرت به عنوان گام اولیه ورود به مباحث ژئوپلیتیک بسیار اهمیت دارد. البته در عرصه دانش ژئوپلیتیک، منظور شناخت علمی و مبتنی بر پایه‌های واقعی است نه هر نوع شناختی. شناخت در دانش ژئوپلیتیک به فرایندی گفته می‌شود که به کمک آن می‌توان منابع جغرافیایی قدرت در اختیار خود و دیگر بازیگران، تغییرات آن‌ها در طول زمان، چگونگی عمل آن‌ها به صورت مثبت و منفی و همچنین پیش‌بینی منابع جغرافیایی قدرت که می‌تواند در آینده در اختیار بازیگر یا دیگر بازیگران قرار بگیرد را شناخت. به بیان دیگر، شناخت در دانش ژئوپلیتیک به معنی فرایندی برای درک مناسبات فراملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی میان بازیگران مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت خود و دیگر بازیگران است (Janparvar, 2014; 114). بر این اساس بحران ژئوپلیتیکی در مرحله شناخت منابع جغرافیایی قدرت عبارت است از منازعه و کشمکش بازیگران بر سر شناخت منابع جغرافیایی قدرت خود یا دیگر بازیگران و چگونگی عمل آن‌ها به صورت منفی و مثبت است. به بیان دیگر، درگیری و منازعه در مناسبات فراملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی میان بازیگران ناشی از شناخت منابع جغرافیایی قدرت خود یا دیگر بازیگران. یکی از منابع جغرافیایی قدرت که به صورت‌های مختلف کشورهای موجود در جهان اسلام و به ویژه قدرت‌های درجه اول جهان اسلام از جمله عربستان، ایران، مصر و ترکیه را دچار تنش کرده است مسئله شناخت بر سر مرکزیت و ام‌القرای جهان اسلام است. هرکدام از این بازیگران می‌کوشند با رسمیت‌دادن و شناختن آن جایگاه برای خود در میان دیگر کشورهای جهان اسلام، این منبع جغرافیایی قدرت را کسب کند.

ب) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مرحله کسب

بعد از آنکه بازیگران به صورت‌های مختلف تلاش کردند منابع جغرافیایی قدرت خود یا دیگران بازیگران را بشناسند در گام بعدی بازیگران باید تلاش کنند که این منابع جغرافیایی قدرت را به روش‌های مختلف که در پیش می‌گیرند کسب کنند. منظور از کسب‌کردن در اختیارگرفتن منبع



جغرافیای قدرت به‌شکلی است که بتوان از آن استفاده کرد. بر این اساس بحران ژئوپلیتیکی در مرحله کسب عبارت است از نزاع و درگیری بازیگران مختلف بر سر کسب و در اختیارگرفتن منبع یا منابع جغرافیای قدرت خود یا دیگر بازیگران. در این زمینه می‌توانیم نمونه بحران ژئوپلیتیکی در کشور عراق بر سر مناطق مورد اختلاف با منطقه خودمختار کردستان را بیان کنیم. این بحران به‌دلیل آنکه دو بازیگر، دارای قدرتی در سطح ملی هستند در زمره مسائل ژئوپلیتیکی و بحران‌های ژئوپلیتیکی جای می‌گیرد، در این بحران دو بازیگر در کسب و به‌دست‌آوردن مناطق مورد اختلاف به‌ویژه استان کرکوک تلاش می‌کنند.

ج) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مرحله بهره‌وری

منظور از بهره‌وری شیوه استفاده بهینه و مناسب از منابع جغرافیایی قدرت شناخته‌شده و کسب‌شده‌ای است که در اختیار بازیگر قرار دارد. مسئله مهم در این زمینه چگونگی بهره‌وری در زمان و مکان مناسب و نیز میزان بهره‌وری از منابع جغرافیای قدرت است. از این‌رو، در مرحله بهره‌وری مسئله مهم، ارائه روش‌ها و راهبردهایی برای چگونگی بهره‌وری و استفاده مناسب از منابع جغرافیای قدرتی است که در اختیار بازیگر قرار دارد. بر این اساس، بحران ژئوپلیتیکی در مرحله بهره‌وری عبارت است از نزاع و درگیری بازیگران بر سر چگونگی و نوع و میزان بهره‌وری از منابع جغرافیای قدرت و راهبردهایی که بازیگران برای بهره‌وری از منابع جغرافیای قدرت در پیش می‌گیرند. نمونه‌ای در زمینه بحران ژئوپلیتیکی در مرحله بهره‌وری از جهان اسلام، مشکلات و تنازعات آبی میان ترکیه با سوریه و عراق بر سر تقسیم آب دجله و فرات است. در این بحران مسئله اصلی چگونگی بهره‌وری کشور ترکیه از آب رودخانه دجله و فرات است که مشکلات فراوانی را برای کشورهای پایین‌دست این رودخانه فراهم کرده و زمینه بحرانی‌تر شدن مناسبات میان این بازیگران را سبب شده است.

د) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مرحله حفظ

با توجه به رابطه مستقیم میان شناخت، کسب، بهره‌وری منبع جغرافیای قدرت و افزایش قدرت بازیگر در صحنه بین‌المللی، بازیگران قدرت ترغیب می‌شوند که قدرت به‌دست‌آمده از سه فرایند شناخت، کسب و بهره‌وری را تداوم و استمرار بخشند و به‌نوعی آن را حفظ کنند و در مناسبات خود از آن بهره ببرند و این حفظ شامل تلاش برای جلوگیری از کاهش ارزش و اهمیت منبع جغرافیای قدرت به‌صورت اولیه و از دست‌رفتن ارزش و اهمیت منبع جغرافیای قدرت به‌صورت کلی در طی زمان نیز می‌شود. بر این اساس بحران ژئوپلیتیکی در مرحله حفظ منابع جغرافیای قدرت عبارت است از نزاع و درگیری بازیگران بر سر جلوگیری از کاهش یا از بین رفتن (حفظ) منابع جغرافیای قدرت. درگیری میان سوریه و اسرائیل (رژیم صهیونیستی) بر سر حفظ بلندی‌های جولان (گولان) که به‌تازگی سوریه آن را از دست داده و در اختیار اسرائیل (رژیم صهیونیستی) قرار گرفته است، نمونه‌ای در این زمینه است.



بحران‌های ژئوپلیتیکی بر پایه مناسبات (چرخه ثانویه دانش ژئوپلیتیک)

الف) بحران‌های ژئوپلیتیک مبتنی بر مقیاس مناسبات

هنگامی که بحث مناسبات ژئوپلیتیک مطرح می‌شود، منظور مناسبات میان بازیگران ژئوپلیتیک است، زیرا مناسبات تنها زمانی مطرح است که بازیگرانی در آن مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت نقش‌آفرینی داشته باشند. پس شناخت این بازیگران اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در دانش ژئوپلیتیک دارد. مناسبات ژئوپلیتیک بر مبنای منابع جغرافیایی قدرت میان بازیگران مختلف و متعدد شکل می‌گیرد. به هر میزان منبع جغرافیایی قدرتی که زمینه‌ساز مناسبات ژئوپلیتیک است ارزش بیشتری داشته باشد زمینه برای جذابیت بیشتر ورود و نقش‌آفرینی بازیگران بیشتر و بزرگ‌تری را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، شناخت مناسبات شکل‌گرفته مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت میان بازیگران ژئوپلیتیک اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در دانش ژئوپلیتیک دارد (Janparvar, 2014; 176). بر این اساس، بحران ژئوپلیتیک مبتنی بر مقیاس مناسبات به معنای درگیری و نزاع میان بازیگران در سطوح مختلف فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بر سر منابع جغرافیایی قدرت است.

ب) بحران‌های ژئوپلیتیک در مقیاس فروملی

برخی از بحران‌های ژئوپلیتیک در جهان اسلام در مقیاس فروملی است و از آن نظر که بازیگران درگیر در آن قدرت بازیگری و تأثیرگذاری در سطح ملی و بیشتر دارند در زمینه مسائل و بحران‌های ژئوپلیتیک جای می‌گیرند؛ از این رو نزاع و درگیری بین بازیگران در مقیاس فروملی بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت را بحران ژئوپلیتیک در مقیاس فروملی می‌گویند. درگیری میان شهروندان کرد با دولت مرکزی ترکیه از زمان شکل‌گیری ترکیه جدید به رهبری مصطفی کمال پاشا تا به امروز که مشکلات فراوانی را برای دولت ترکیه به وجود آورده، نمونه‌ای در این زمینه است.

ج) بحران‌های ژئوپلیتیک در مقیاس ملی

برخی دیگر از بحران‌های ژئوپلیتیک به‌ویژه در جهان اسلام در مقیاس ملی و میان دو یا چند بازیگر (دولت) است. از این رو، نزاع و درگیری بین بازیگران در مقیاس ملی بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت را بحران ژئوپلیتیک در مقیاس ملی می‌گویند. نمونه‌ای که در زمینه بحران ژئوپلیتیک در مقیاس ملی در جهان اسلام می‌شود آورد تنش و درگیری میان پاکستان و هند بر سر منطقه اختلافی کشمیر است که از مسائل حل‌نشده میان دو کشور در چند دهه گذشته بوده است.

د) بحران‌های ژئوپلیتیک در مقیاس منطقه‌ای

نزاع و درگیری میان بازیگران در مقیاس منطقه‌ای بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت را بحران ژئوپلیتیک در مقیاس منطقه‌ای می‌گویند. نمونه‌ای که در زمینه بحران



ژئوپلیتیکی در مقیاس منطقه‌ای از جهان اسلام می‌توان آورد تنش و درگیری در لیبی است که تنش‌های آن به دلیل درگیر شدن چند کشور اسلامی از جمله ترکیه، عربستان، قطر و امارات در بحرانی تر شدن مسائل این کشور تأثیر زیادی داشته است.

د) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مقیاس جهانی

نوع دیگری از بحران‌های ژئوپلیتیکی وجود دارند که بر اساس بازیگران دخیل در آن مقیاس جهانی به خود می‌گیرند. به بیان دیگر، به دلیل جایگاه و سطح بازیگری بازیگران درگیر در این بحران و به تناسب پیامدهای فرمانطقه‌ای آن در مقیاس جهانی قرار می‌گیرند. نزاع و درگیری میان بازیگران در مقیاس جهانی بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت را بحران ژئوپلیتیکی در مقیاس منطقه‌ای می‌گویند. نمونه این بحران در جهان اسلام که ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد بحران سوریه است. این بحران از سال ۲۰۱۱ شروع شده است و دامنه کشورهای درگیر در آن به خارج از کشورهای اسلامی نیز رسیده است و امروزه قدرت‌های جهانی در آن نقش اساسی ایفا می‌کنند. به بیانی، بحران سوریه به دلیل درگیر شدن منافع بازیگران جهانی مانند ایالات متحده، روسیه و چین و نیز کشورهای اسلامی مانند ایران و عربستان در آن به‌عنوان بحرانی در سطح جهانی تلقی می‌شود.

بحران‌های ژئوپلیتیک مبتنی بر شکل مناسبات

الف) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات رقابت‌آمیز

برخی از بحران‌های ژئوپلیتیکی شکل گرفته در جهان اسلام بر اساس مناسبات رقابت‌آمیز میان بازیگران موجود در جهان اسلام است که منشأ به وجود آمدن بحران است. این مناسبات بر روی بخش دیگر ژئوپلیتیک یعنی منابع جغرافیای قدرت تأثیر می‌گذارد. از این رو، بحران ژئوپلیتیکی در مناسبات رقابت‌آمیز به معنای نزاع و درگیری بین بازیگران بر اساس مناسبات رقابتی بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس‌های فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی را بحران ژئوپلیتیکی بر اساس مناسبات رقابت‌آمیز می‌گویند. نمونه بارز آن در جهان اسلام، رقابت‌های میان دو کشور ترکیه و عربستان بر سر رهبری جهان اسلام (اهل سنت) است که نمودهای آن را در لیبی، سوریه و یمن می‌بینیم. به بیانی دیگر، متناسب با مناسبات رقابت‌آمیز بین دو کشور اسلامی یعنی ترکیه و عربستان (به دلیل تفاوت ایدئولوژیکی حاکم بر فضای دو کشور) زمینه‌ساز تداوم برخی از بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام از جمله بحران لیبی است.

ب) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات ستیزآمیز (تنش‌آمیز)

در زمینه بحران‌های ژئوپلیتیک مبتنی بر شکل مناسبات، نوع دیگری از بحران‌های موجود در جهان اسلام نتیجه مناسبات ستیزآمیز است. در واقع، مناسبات ستیزآمیز نتیجه تداوم و افزایش سطح مناسبات رقابتی است؛ بنابراین بحران ژئوپلیتیکی در مناسبات تنش‌آمیز به معنای درگیری میان



بازیگران بر اساس مناسبات ستیزه و تنش جویانه بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس‌های فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است. نمونه این نوع مناسبات در جهان اسلام میان دو کشور مصر و ترکیه است به دلیل تفاوت ایدئولوژیکی و به تبع آن حمایت‌های دو کشور از مخالفان یکدیگر (حمایت‌های مصر از طرفداران فتح‌الله گولن و جریانات سلفی در ترکیه و حمایت‌های آشکار و مستقیم ترکیه از اخوان المسلمین به‌عنوان حزب مخالف دولت مصر، السیسی).

ج) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات نفوذ و سلطه جویانه نوع دیگری از مناسبات سیاسی میان بازیگران ژئوپلیتیکی که زمینه‌ساز بروز بحران‌های ژئوپلیتیکی در فضاها جغرافیایی می‌شود، براساس مناسبات سلطه جویانه است. بحران ژئوپلیتیکی در مناسبات سلطه جویانه عبارت است از نزاع و درگیری میان بازیگران بر اساس مناسبات سلطه جویانه بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس‌های فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی. سرکوب و همسان‌سازی مسلمانان اوغور در ایالت سین‌کیانگ در شمال چین توسط دولت مرکزی این کشور نمونه بارز در زمینه بحران ژئوپلیتیکی مبتنی بر مناسبات نفوذ و سلطه است.

د) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات قهرآمیز (جنگ) بحران ژئوپلیتیکی در مناسبات قهرآمیز عبارت است از نزاع و درگیری میان بازیگران بر اساس مناسبات قهرآمیز بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس‌های فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی. در این بحران شدیدترین حالت مناسبات خصمانه میان دو یا چند بازیگر که جنگ است رخ می‌دهد. درگیری و جنگ میان جمهوری آذربایجان با ارمنستان که به شکست ارمنستان از جمهوری آذربایجان و امضای قرارداد آتش‌بس با حضور روسیه منجر شد، نمونه این نوع مناسبات در بحران‌های ژئوپلیتیکی است.

بحران‌های ژئوپلیتیکی مبتنی بر مناسبات بازیگران ژئوپلیتیک

الف) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات میان بازیگران مرکزی با یکدیگر گونه‌ای از بحران‌های ژئوپلیتیک مبتنی بر مناسبات میان بازیگرانی است که در آن، بازیگران مرکزی شامل بازیگرانی که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر سطح و نوع نقش‌آفرینی کانونیت و مرکزیت دارند. از این‌رو، نزاع و درگیری میان بازیگرانی که هم از لحاظ منابع جغرافیای قدرت و هم سطح و نوع نقش‌آفرینی در مرکزیت واقع شده‌اند بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس‌های فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بحران ژئوپلیتیکی در میان بازیگران مرکزی، بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات میان بازیگران مرکزی با



یکدیگر گفته می‌شود. نمونه این بحران در جهان اسلام درگیری و نزاع دو کشور قدرتمند خاورمیانه یعنی ایران و عربستان است.

ب) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات میان بازیگران مرکزی با نیمه‌پیرامونی برخی دیگر از بحران‌های ژئوپلیتیکی مبتنی بر مناسبات، میان بازیگرانی رخ می‌دهد که در آن در یک‌سو بازیگر یا بازیگران مرکزی مانند بازیگرانی که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر سطح و نوع نقش‌آفرینی دارای کانونیت و مرکزیت هستند و از سوی دیگر بازیگر یا بازیگری از نظر منابع جغرافیایی قدرت و نوع و سطح بازی در نیمه‌پیرامون (حاشیه اما پیوسته با آن) واقع شده است. از این رو، نزاع و درگیری میان بازیگرانی که هم از لحاظ منابع جغرافیایی قدرت و هم سطح و نوع نقش‌آفرینی در مرکزیت و در نیمه‌پیرامون واقع شده‌اند بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مقیاس‌های فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بحران ژئوپلیتیکی در میان بازیگران مرکزی با نیمه‌پیرامونی گفته می‌شود. نمونه این بحران در جهان اسلام را در مناسبات میان ترکیه و سوریه می‌بینیم که در آن ترکیه به‌عنوان بازیگر مرکزی جهان اسلام با سوریه به‌عنوان بازیگر نیمه‌پیرامون جهان اسلام دچار چالش و مشکل شده‌اند و سرانجام وارد جنگ شده‌اند.

ج) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات میان بازیگران مرکزی با پیرامونی برخی از بحران‌ها بر اساس مناسبات میان بازیگران مرکزی از لحاظ منابع جغرافیایی قدرت و همچنین نقش و سطح بازی با بازیگرانی که از لحاظ منابع جغرافیایی قدرت و نیز نقش و سطح بازی در پیرامون (فراسوی منطقه پیرامون) واقع شده‌اند بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مقیاس فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی رخ می‌دهد. این نوع از بحران ژئوپلیتیکی در جهان اسلام میان دو کشور عربستان سعودی به‌عنوان قدرت مرکزی جهان اسلام از نظر منابع جغرافیایی قدرت و سطح و نوع نقش‌آفرینی با یمن که به‌لحاظ منابع جغرافیایی قدرت و سطح و نوع نقش‌آفرینی در پیرامون جهان اسلام واقع شده به جنگ منتهی شده و یکی از مهم‌ترین بحران‌های جهان اسلام رو رقم زده است.

د) بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناسبات بین بازیگران نیمه‌پیرامونی با پیرامونی این نوع از بحران از نزاع و درگیری بین بازیگرانی که از لحاظ منابع جغرافیایی قدرت و هم از نظر نوع نقش‌آفرینی در وضعیت نیمه‌پیرامونی (حاشیه اما پیوسته با مرکز) با بازیگرانی که از لحاظ منابع جغرافیایی قدرت و هم از نظر نوع نقش‌آفرینی در پیرامون (فراسوی منطقه پیرامون) واقع شده‌اند بر سر شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مقیاس‌های فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی شکل می‌گیرد. نمونه این نوع بحران در جهان اسلام در قاره



آفریقا و میان بازیگر نیمه پیرامونی به نام سودان و بازیگری پیرامونی و حاشیه‌ای به نام سودان جنوبی رخ داده است.

بحران‌های ژئوپلیتیکی مبتنی بر راهبرد بازیگران ژئوپلیتیک

الف) بحران‌های ژئوپلیتیکی ناشی از هدف‌گذاری راهبردی بازیگران این نوع از بحران‌ها بر اساس نوع هدف‌گذاری راهبردی بازیگران به منظور شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی رخ می‌دهد. در واقع در این نوع بحران مسئله بحران‌آمیز هدف از طراحی و اجرای راهبردهای بازیگران است که ممکن است به دلیل ماهیت متضاد این هدف با منافع ملی دیگر بازیگران به سوی بحران پیش برود. در این زمینه می‌شود به دلایل بحرانی شدن روابط میان ترکیه و بیشتر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس اشاره کرد که از دید کشورهای عربی، ترکیه با هدف بازآفرینی خلافت عثمانی و به بیانی، نوع‌ثمنی‌گرایی راهبردهای خود را تدوین و اجرا می‌کند.

ب) بحران‌های ژئوپلیتیکی ناشی از چگونگی طراحی راهبردی بازیگران چنین بحران‌هایی ناشی از چگونگی طراحی راهبردی بازیگران برای شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی رخ می‌دهد. در واقع در این نوع بحران مسئله بحران‌آمیز چگونگی طراحی راهبردهای بازیگران است که ممکن است با منافع ملی و راهبردهای دیگر بازیگران تضاد داشته باشد و این تضاد ناشی از طراحی متفاوت راهبردهای دو بازیگر به ایجاد بحران ژئوپلیتیک در فضا منجر می‌شود. نمونه این بحران در جهان اسلام را در روابط میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان و بحرین می‌بینیم که از دید کشورهای حاشیه خلیج فارس ایران در حال طراحی راهبردی برای تشکیل هلال شیعی در خاورمیانه است. در واقع در این نوع بحران‌ها نوع دید بازیگران به یکدیگر سرآغاز ایجاد تنش در میان بازیگران و پیش‌رفتن به سمت بحرانی شدن روابط میان بازیگران است.

ج) بحران‌های ژئوپلیتیکی ناشی از چگونگی اجرای راهبردی بازیگران در این بحران مسئله تنش‌زا به چگونگی اجرای راهبردهای بازیگران برمی‌گردد و اینکه چگونه در عمل راهبرد طراحی شده خود را بر اساس هدف‌گذاری که داشته‌اند اجرا کنند. به بیانی، این نوع از بحران‌های ژئوپلیتیکی به دلیل شیوه اجرای راهبردهای طراحی شده براساس اهداف بازیگران به منظور شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به وقوع می‌پیوندد. حمایت‌های نظامی و لجستیکی ایران از حزب‌الله لبنان و حکومت بشار اسد در راستای اجرای طراحی راهبردی حفظ نظام بشار اسد به منظور (هدف طراحی راهبردی) کمک به جریان مقاومت در برابر جبهه اسرائیل نمونه این بحران است و نتیجه این حمایت‌ها (اجرای



راهبردی) تداوم بحران ژئوپلیتیکی در سوریه بوده است.

د) بحران‌های ژئوپلیتیکی ناشی از نتایج اجرای راهبرد بازیگران

هنگامی که نتایج اجرای راهبرد بازیگران برای شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت در مقیاس فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به نزاع و تنش منجر شود بحران ژئوپلیتیکی ناشی از نتایج اجرای راهبردی بازیگران رخ می‌دهد. نمونه این بحران در جهان اسلام که ناشی از اجرای راهبردهای بازیگران است، بحران ژئوپلیتیکی حاصل از نتایج دخالت نظامی آمریکا در افغانستان است که منجر به بروز بحران ژئوپلیتیکی و تنش بین دولت قانونی این کشور و شبه نظامیان طالبان شده و انفجارهای انتحاری و بمب‌گذاری‌های متعدد در اجتماعات نتیجه این بحران ژئوپلیتیک میان دولت و شبه نظامیان طالبان است که بخش بزرگی از آن به دلیل حضور نظامی آمریکا در این کشور اسلامی است.

نتیجه

تغییرات صورت‌گرفته در دهه‌های اخیر زمینه دگرگونی‌های گسترده‌ای در حوزه دانش ژئوپلیتیک را فراهم آورده و به‌صورت‌های مختلف بر افزایش حوزه‌های مطالعاتی آن در قالب گرایش‌های نوظهور کمک کرده است. در این میان، ژئوپلیتیک جهان اسلام یکی از گرایش‌های موضوعی شکل‌گرفته در دانش ژئوپلیتیک در طی دهه‌های اخیر است که اهمیت و جایگاه برجسته‌ای دارد. زیرا تحولات گسترده صورت‌گرفته در جهان معاصر مانند جهانی‌شدن و به‌تبع آن رشد چشمگیر مطالب در ارتباط با فرهنگ‌ها و ادیان مختلف و همچنین افزایش گرایش به اسلام در سراسر دنیا و نیز داشتن منابع جغرافیای قدرت در سرزمین‌های اسلامی زمینه‌ساز افزایش سطح بازیگری دین اسلام در سطوح مختلف شده است. به بیانی، جهان اسلام به دلیل داشتن موقعیت راهبردی، منابع زیرزمینی، جمعیت زیاد و رو به ترقی بودن دین اسلام نسبت به دیگر ادیان از لحاظ ژئوپلیتیکی جایگاه برجسته‌ای دارد. اما با وجود این منابع جغرافیای قدرت به دلیل وجود بحران‌های مختلف ژئوپلیتیکی در میان اعضای جهان اسلام باعث افت جایگاه و استفاده مناسب نکردن از توانایی‌های جغرافیایی مجموعه جهان اسلام شده است. پژوهش انجام‌شده را با رویکردی جدید برای واکاوی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام انجام داده‌ایم. بحران ژئوپلیتیک وضعیتی است که در آن منابع جغرافیایی قدرت منبع اصلی منازعه، کشمکش و اختلاف میان بازیگران در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی باشد. به بیان دیگر، بحران ژئوپلیتیک زمانی ایجاد می‌شود که بازیگران در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی خود، روی یک یا چند منبع جغرافیایی قدرت با یکدیگر اختلاف داشته باشند و با یکدیگر رقابت کنند. بحران‌های ژئوپلیتیکی موجود در جهان اسلام به‌صورت کلی مبتنی بر دو بخش منابع جغرافیای قدرت و مناسبات سیاسی میان بازیگران است. به بیانی، بخشی از بحران‌های



ژئوپلیتیکی جهان اسلام بر پایه چرخه اولیه (تعارض بر سر مالکیت یا استفاده از منابع جغرافیای قدرت) شکل گرفته و چرخه ثانویه (مناسبات میان بازیگران) را تحت تأثیر قرار داده است. بخش دیگری از بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام براساس مناسبات میان بازیگران شکل گرفته است و مبتنی بر این مناسبات منابع جغرافیای قدرت تحت تأثیر قرار گرفته است. مبتنی بر چرخه اولیه دانش ژئوپلیتیک (منابع جغرافیای قدرت)، بحران‌های ژئوپلیتیکی در چهار بعد شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیای قدرت دسته‌بندی شده و برای هرکدام نمونه‌هایی در جهان اسلام بیان کردیم. همچنین بر اساس چرخه دوم دانش ژئوپلیتیک (مناسبات سیاسی بازیگران)، بحران‌های ژئوپلیتیکی در چهار بعد مقیاس مناسبات، شکل مناسبات، سطح قدرت و نقش آفرینی بازیگران و استراتژی‌های بازیگران دسته‌بندی کردیم و برای هرکدام از ابعاد نیز نمونه‌های از بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام آوردیم. به‌صورت کلی نتایج نشان داد که بحران‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام ناشی از مناسبات سیاسی بین بازیگران بوده است و منابع جغرافیای قدرت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.



Reference

1. Alipour, Abbas and Mohsen Sayyah (2015), "The geopolitical crisis of extremism in Pakistan and its consequences for the Islamic world", the first international conference on geopolitical crises in the Islamic world. [In Persian]
2. Abdi, Ataullah, Heidari, Jahangir, Panahi, Hamid and Dalalat, Murad (2016), "Analysis of Political Geographical Characteristics of Border Cities in Geopolitical Crises (Case Study: Kobani Border City and ISIL Crisis)", *Journal of Border Studies*, Vol. 6, No. 2. [In Persian]
3. Amiri, Soroush (2016), "Regional and trans-regional governments and the Yemeni geopolitical and security crisis with emphasis on Iran and Saudi Arabia and their allies", *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, Vol. 7, No. 4. [In Persian]
4. Afshardi, Mohammad Hussein, Alamdar, Ismail (2016), "Investigating the Geopolitical Interests of Foreign Actors Affecting the Syrian Geopolitical Crisis"; *Journal of Political Geographical Research*, Vol. 2, No. 4.
5. Nategh Elahi, Fariborz (1999), *Proceedings of the Third International Conference on Seismology and Earthquake Engineering (Ed)*. Tehran: Seismology Research Institute. [In Persian]
6. Bashir, Hassan (2008), "Media and the Semantics of Crisis", *Communication Research Quarterly*, Vol.15, No. 55. [In Persian]
7. Berryman, John (2012), *Geopolitics and Russian foreign policy*. *International Politics*, doi:10.1057/ip.2012.15.
8. Hafeznia, Mohammad Reza and Zarghani, Seyed Hadi (2012), "Geopolitical Challenges of Convergence in the Islamic World", *Human Geography Research*, No. 80. [In Persian]
9. Dodds, Klaus (2010), *Classical geopolitics revisited*. In R. Denmark (ed.), *The International Studies Encyclopedia*, Oxford: Blackwell, vol. 2,



pp. 302–22.

10. Hafeznia, Mohammad Reza (2010), *Power and National Interests*, Tehran: Select Edition.
11. Ghodsi, Amir (2016), “The Geopolitical System of West Asia and the Preferential Regional Order of Iran”, *Quarterly Journal of Strategic Defense Studies*, Vol. 16, No. ۷۲. [In Persian]
12. Gokmen, Semrma Rana (2010), “Geopolitics And The HE Study Of International Relations ELATIONS”, In Partial Fulfillment Of The Requirements For The Degree Of Doctor Of Philosophy In The Department Of International Relations.
13. Janparvar, Mohsen (2016), *Geopolitics for All*, Select Publishing, First Edition. [In Persian]
14. Jones, Martin, Jones, Rhys and Woods, Michael (2004), *An Introduction to Political Geography: Space, Place and Politics*, London: Routledge.
15. Kazemi, Seyed Ali Asghar (1995), *Legal aspects of Iranian sovereignty in the Persian Gulf*. Tehran: Office of Political and International Studies. [In Persian]
16. Kearns, G., (2009), *Geopolitics and Empire*. Oxford: Oxford University Press.
17. Mosalla Nejad, Abbas (2013), “Ukraine Crisis and Intensification of Regional Competition”, *World Policy Quarterly*, Volume 2, Number 4. [In Persian]
18. Mokhtari Hashi, Hossein, Shams, Mojtaba (2016), “Geopolitical Analysis of the Yemeni Crisis, *Journal of Political Geographic Research*, Vol. 2, No. 1. [In Persian]
19. Mitraf, Tien and Guy Negnas (2002), *Crisis Management Before It Happens*, translated by Mahmoud Tutunchian, the Higher Institute of Management and Planning Education and Research. [In Persian]
20. Michael T. Klare (2002), *Resource Wars: The New Landscape of Global Conflict*, New York: Holt.



21. Qasri, Mohammad and Hossein Vafadar (2010), “A descriptive model of crisis in order and security, Quarterly Journal of Law Enforcement and Security, Vol. 3, No. 3. [In Persian]
22. Osterud, O. (1988) “The uses and abuses of geopolitics”, Journal of Peace Research 25(2): 191–199.
23. Rosenthal, Aurel and Brett Pichenberg (2004), “Crisis Management and Decision Making, Decision-Based Scenarios”, translated by Hossein Hosseini, Defense Policy Journal, Vol. 12, Issue 46. [In Persian]
24. SareeOlghalam, M. (1999), Foreign policy of the Islamic Republic of Iran: A theoretical review and coalition paradigm, Tehran, Iran: Strategic Research Center.[In Persian]
25. Zarghani, Seyed Hadi and Ismail, Alamdar (2017), “Analysis of the geopolitical crises of the Islamic world in the last decade (a case study of Southwest Asia and North Africa), Scientific Quarterly of Political Studies of the Islamic World, Vol. 8, No. 8. [In Persian]
26. Zarghani, Seyed Hadi, Ismail, Alamdar (2015), “Investigation and analysis of the crises of the Islamic world and the future perspective”, the first international conference on geopolitical crises of the Islamic world, Tehran, Institute of Future Studies of the Islamic world. [In Persian]
27. Vaezi, M. (2015), International crises (Theoretical analysis and case studies), Tehran: Political and International Studies Office, Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
28. Valigholizadeh, Ali, Mahdi, Karim (2016), “Geographical explanation of the factors disputed in the Karabakh geopolitical crisis”, Journal of Eurasian Studies, Vol. 7, No. 2, , pp172-180
29. Valigholizadeh, Ali, (2012), Finding pattern of geopolitical crises Case study: Karabakh regional crisis, PhD Dissertation in Political Geography, Tarbiat Modares University. [in Persian]
30. Analysis and explanation of the geopolitical crises of the Islamic worl.